

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه}

سیاست وظیفه ذاتی روحانیت است



ادامه از صفحه اول ویژه‌نامه

• نقش روحانیت در بیداری شیعه

نقش روحانیت شیعه و حوزه‌های علمی همگام با فعالیت‌های علمی و تحقیقات در رشته‌های مختلف مانند: تبلیغ، هدایت و شناساندن اسلام به دنیا و جوامع بشری، تألیف کتاب‌های سودمند، انتشار، مقالات، مجلات، سخنرانی‌ها، مواظظ و تربیت افراد لایق و علمای عامل و صالح در همه اعصار مؤثر و چشم‌گیر بوده است و به‌تمام‌معنا در بالابردن سطح معارف اسلامی مسلمانان و تبلیغ آن به دیگران، در تحرک و بیداری شیعه و پایداری و مقاومت آنها در برابر هجوم‌ها و یورش‌ها، در مقطع‌ها و فرصت‌های مختلف، عامل مهمی بوده و هست.

روحانیت و حوزه‌های علمی شیعه در طول تاریخ حیات خود، گرفتار سخت‌ترین فشارها،اختناق‌ها، زندان‌ها، شکنجه‌ها، کشتارها و حمله‌هایی شده است که می‌توان گفت اگر به هر قوم و ملت دیگری این ستم‌ها شده بود، نابود و از صفحه روزگار محو می‌شد. با این وجود، با مقاومت و پایداری که ملت از خود نشان داد، باقی ماند و تمام آن زورمندان و قدرت‌های بزرگ از بین رفته و منقرض شدند و مانند رضاخان، حسرت انقراض تشیع، حوزه‌های علمی و مکتب اهل بیت ^{علیهم‌السلام} را به گور بردند. این روحانیت شیعه بود که در قرن معاصر، استعمار را به زانو در آورد و انقلاب‌های بزرگ را رهبری کرد.

• عالمانی که با استعمار مبارزه کردند

سید شرف‌الدین ^{رحمۃ‌الله‌علیه}، عالم بزرگ شیعه و مؤلف کتاب‌های نفیس «المراجعات»، «الفصول المهمة إلی المجمع العلمي العربي» و تألیفات دیگر بود که در لبنان و سوریه، پرچم مخالفت با استعمار فرانسه را به‌هتزاز درآورد.

میرزا محمدتقی شیرازی هم عالم شیعی بود که از کربلا انقلاب تاریخی عراق علیه استعمار انگلیس را رهبری کرد. آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} یکی دیگر از علمای شیعه بود که در واقعه رژی و تنباکو، استعمار را کوبید و با مبارزه منفی که از تعالیم مهم اسلام است و تحریم تنباکو، ملت ایران را به قوه و نیروی خویش آگاه کرده و تاریخ جدید بیداری ملت را بی‌ریزی نمود. سید محمدسعید حبیبی دیگر فقیه شیعی بود که شخصاً در جهاد علیه انگلیس با دیگر آیات و علمای نجف اشرف شرکت کرد. و دیگری کاشف‌الغطاء شیخ محمدحسین، مؤلف «اصل الشیعة واصولها» و کتاب‌های نفیس دیگر بود که در تمام عمر در عراق علیه استعمار مبارزه کرد و علیه انگلیس فتوا داد.

تاریخ علمای مجاهد شیعه، طولانی و مفصل است؛ چه حبس و چه زجرها و ناراحتی‌هایی که کشیدند و تبعیدهایی که دیدند. در موقعی که سیاست تزاری روس بر ایران سایه انداخته بود، یگانه قوه‌ای که تحت نفوذ آنها قرار نگرفت، روحانیت بود. در واقعه گریبایدوف که در زمان فتحعلی‌شاه واقع شد، آنکه ملت ایران را از آن ننگ و عار نجات داد، حاج‌میرزا مسیح تهرانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} بود که دست

شجاعت از آستین صلابت بیرون آورده و در مبارزه با غرب‌گرایی استعمار انگلیس، تفکر دولت منهای دیانت و روحانیت منهای سیاست مشروطه غربی و فریب‌خوردگان فرنگی‌مآب، این حاج شیخ فضل‌الله نوری شهید بود که همه مفاسدی را که برای جداکردن نهضت مشروطه از اسلام در دوره اختناق ارباب و جنایت رضاخانی پیش آمد، پیش‌بینی می‌کرد و با عنوان «مشروطه مشروعه با برنامه استعماری نفی حاکمیت اسلام مبارزه کرد و تا سر حد شهادت و رفتن به بالای دار استقامت نمود تا در نتیجه فداکاری، پایداری و قوت ایمان او – اگر چه به‌ظاهر مخالفان مشروعه‌بودن مشروطه پیروز شدند– آن نظام در افکار مسلمانان محکوم و نامشروع تلقی شد و در درازمدت درحقیقت، آن مجتهد مظلوم مصلوب، پیروز گردید.

در نیم‌قرن اخیر در طلیعه کسانی که در ایران با استعمار جنگیدند، حوزه‌های علمی و علمای شیعه قرار داشتند. نهضت حاج‌آقا نورالله اصفهانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} در اجتماع علمای قم و قیام حاج‌آقا جمال اصفهانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} در تهران و مخالفت حاج میرزا صادق‌آقا تبریزی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} در آذربایجان با نقشه‌های استعمارگرانه انگلیس مشهور و معروف است.

اولی را چنان که معروف است، عمال استعمار محرمانه و به‌طور مرموز کشتند، دومی را به اصفهان و سومی را به قم تبعید نمودند. ملت ایران هرگز مجاهدات عالم شیعه سیدحسن مدرس را که به دستور استعمار و رژیم منحوس پهلوی در ماه مبارک رمضان در حال روزه با وضعیت فجیعی به شهادت رسید، فراموش نخواهد کرد.

در قیام مشهد نیز که برای دفاع از اسلام و جلوگیری از نقشه‌های رژیم استعمارگر بر پا شد و به واقعه فجیع مسجد گوهرشاد منتهی گردید، علمای تراز اول مانند میرزا محمد کفائی (آقازاده) ^{رحمۃ‌الله‌علیه} گرفتار زندان و شکنجه شدند و حاج آقا حسین قمی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} که برای امر به معروف و نهی از منکر به تهران عزیمت کرده بود، محصور و به عتبات عالیات تبعید گردید.

در واقعه ملی‌شدن نفت نیز علما در صف اول جهاد قرار داشتند و استاد آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری بود که در این جهاد با مقام مرجعیتی که داشت، وارد شد و آیت‌الله کاشانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} را که نهضت ملی‌شدن نفت بر اثر زجرها، تبعیدها و آزارهایی که او محمل شد، به اوج خود رسید، تأیید کرد و علمای دیگر در تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و شهرهای دیگر نیز همه آن را همراهی کردند تا به ثمر رسید.

• **نقش آیت‌الله‌العظمی بروجردی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} در مبارزه با استعمار**
آیت‌الله‌العظمی بروجردی ^{رحمۃ‌الله‌علیه} که از ضررهای تسلط استعمار و امتیازاتی که کسب کرده بود، آگاهی کامل داشت و شخصاً هم صدماتی از آن دیده بود، مبارزه علیه کمپانی نفت جنوب و انگلیس را تأیید می‌کرد.

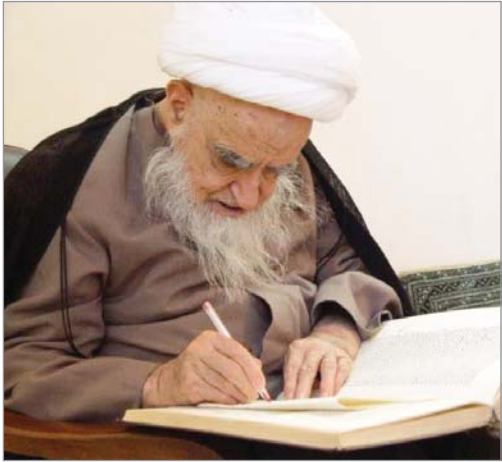
بعد از واقعه ۲۸ مرداد، ایشان یگانه سدی بود که استبداد را از پیشروی باز داشت و در چند مورد به‌شدت آن را عقب زد؛ اما به‌عللی که در اینجا مجال شرح آن نیست، اوضاع و احوال، یک حرکت کلی

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه}

در آئینه خاطرات

بازگشت به زندگی

به عنایت امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف}



یک‌بار به کسالت بسیار سختی مبتلا شدم که شعبه‌ای از آن، خون‌ریزی شدید روده اثنی‌عشر و همراه با تب بسیار شدیدی بود که به تنهایی حقی‌ر از پا درآورده و به هیچ‌وجه علاج نمی‌شد. تعجب در این بود که با آزمایش‌های متعدد و دقیق، معلوم نمی‌گشت چگونه تبی است تا بتوانند، معالجه نمایند و همه معالجات احتمالی بی‌فایده مانده بود. حقی‌ر را –درحالی‌که ظاهراً فاصله‌ای با مرگ نداشتم– به تهران منتقل و در بیمارستان جم بستری نمودند. آنجا پزشکان حاذق حضور داشتند و به این نتیجه رسیده بودند که به هر حال باید فوراً تحت عمل جراحی قرار گیرم. در همان حالت ضعف و تب، به‌ناچار –شاید مایوسانه– بنده را زیر عمل بردند که شرح آن و وضعیتی حقی‌ر قبل، حین و پس از عمل و بهبودی، همه دوستان را ناراحت و متأثر ساخت؛ البته در این میان، چون از طریق رادیو اطلاع داده بودند، بسیاری با توسلات، صدقات و دعا برای شفای اینجانب دعا کرده بودند.

در هر صورت، غرض این است که چند ساعت یا شاید بیشتر، حقی‌ر از خود بی‌خود بودم و تنها چیزی که از آن حال به یادم ماند، این بود که در مسیری–نمی‌دانم در کدام‌یک از آن حالات سخت– مثل اینکه از دنیا رفته و در عالم پس از مرگ بودم؛ حال خوش و آرامی داشتم و مرگ را چون آبی زلال و مطلوب می‌دیدم. در آن حال، به من گفته شد: «مایلی به دنیا بازگردی؟» از بس آرامش داشتم، گفتم: «لزومی ندارد؛ وضع خوب است.» این پیشنهاد تکرار شد و باز همان جواب را دادم. گفتند: «آیا کاری نداری در آنجا؟» بالأخره گفتم: «اگر این اضافات منتخب‌الآثر مرتب شود… ولی شاید بیشتر از این، مصلحت در اظهار امر نبود. انکار این تمایل پذیرفته شد.

غرض اینکه از عالم غیب شفاعتی شد و الاً یا رفته بودم یا همان زمان رفتنی بودم. جالب این است که پس از مدتی که به قم مراجعت نمودم، یک روز آقای دکتر مدنی –داماد آیت‌الله کاشانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه}– تلفن زند و فرمودند: «می‌خواستیم برای این بشارت به شما به قم مشرف شویم؛ ولی به‌لحاظ زحمت فراهم‌نشدن، با تلفن این بشارت را می‌دهم.» خانم محترمه علویه ایشان –صبیه آیت‌الله کاشانی– فرمودند: «خواب دیدم شما را؛ از شما پرسیدم: شما را بالأخره اطبا معالجه کردند یا امام زمان(ارواح‌العالمین لتراب مقدمه الفدا) شفا مرحمت فرمودند؟» شما جواب دادید: «امام زمان ارواح‌العالمین لتراب مقدمه الفدا.»

منبع: شیخ الفقها، فصل نهم، گنجینه خاطرات.

دست‌نشانده و تحمیلی اسرائیل قرار بگیرند؟ و این پشتیبانی بی‌دریغ آمریکا از این همه ظلم و شرارت و قتل‌عام کوچک و بزرگ و زن و مرد، چه توجیهی غیر از ماهیت صهیونیستی حکومت آمریکا دارد.»

نمونه دیگر سخنان ایشان این‌گونه است: «تجاوز رژیم صهیونیستی به مردم مظلوم فلسطین در نوار غزه، نمونه بارزی از تقابل اسلام و کفر است و جنایاتی که از صهیونیست‌ها در غزه صادر می‌شود، از اتفاقات نادر تاریخ است و متأسفانه این ددمنشی و کشتار مردم بی‌دفاع در نوار غزه از طرف کسانی سر می‌زند که خود داعیه تمدن و حقوق بشر دارند. عدالت و حقوق بشری که دشمنان اسلام از آن دم می‌زنند، همین است که امروز در سرزمین غزه انجام می‌شود و زنان و کودکان بی‌دفاع را به خاک و خون می‌کشند.

اگر یک میلیارد ونیم مسلمان جهان، یکصدا الله اکبر و لا اله الا الله بگویند و با هم اتحاد کنند، اسرائیل از بین می‌رود. این بی‌تفاوتی‌ها و بی‌غیرت‌ها (سکوت برخی سران عرب در قبال جنایات رژیم اشغالگر قدس در غزه) از سوی ما محکوم است و سلاطین عرب با این سکوت به مردم بی‌گناه غزه خیانت می‌کنند. جنایاتی که صهیونیست‌ها در غزه می‌کنند، همواره در تاریخ جریان داشته و سوابق سوء آن موجود است.

ادامه در صفحه بعد

مواضع ضد صهیونیستی آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی ^{رحمۃ‌الله‌علیه}

از فتوای حرام‌بودن خرید کالای اسرائیلی تا فراخوان اتحاد اسلامی

صهیونیسم، مطلبی است که ایشان در کتاب «اصالت مهدویت» بیان می‌کنند:

«کدام انسان است که با این همه مظالم و ستمگری‌ها موافق باشد؟ و کدام انسان است که با صرف این بودجه‌های تسلیحاتی سنگین و کمرشکن که برای حفظ رژیم‌ها و مرزهایی است که در اثر تقسیم دنیا به مناطق سلطه و نفوذ طاغوت‌ها و حزب‌ها و گروه‌های طاغوتی برقرار شده است، موافق باشد؟ و کدام انسان است که تقسیم ملل دنیا را به غالب و مغلوب و سلطه‌گر و زیرسلطه و استضعاف‌گر و استضعاف‌شده و پیشرفته و عقب‌مانده، وجداناً قبول داشته باشد؟

این آوارگان فلسطین و این مسلمانان که در فلسطین و غزه و سواحل رود اردن و جنوب لبنان زندگی می‌کنند، طبق چه قانون فطرت‌پسند، باید مورد این‌همه جنایات وحشیانه حکومت

شیخ الفقها/۵۴۰